

## هنگامه” شد: پیام مهربانی وزارت اطلاعات“

س. اقبال

ستاد خبری وزارت اطلاعات در اقدامی کم‌سابقه پیامکی با این عنوان برای کاربران تلفن همراه ارسال نموده است: “هموطن گرامی؛ در هنگامه خروش طبیعت با هم مهربان‌تر باشیم

پیش از این پیامک، پیامک دیگری نیز از سوی ستاد بحران وزارت کشور برای کاربران ارسال گردیده بود که از گردشگران نروزی می‌خواست تا در مناطق کوهستانی توقف نکنند. چنین موضوعی تا کنون سابقه نداشته است. انگار تازه همه از خوابی خرگوشی پریده باشند. چون تازه فهمیده‌اند که باید در مواقع بروز حوادث طبیعی، به مردم اطلاع‌رسانی گردد. اما مدیران ستاد بحران به همراه کارگزاران وزارت اطلاعات چنین رویکردی را به پس از بروز حادثه آن هم درست روز ششم فروردین ماه ماکول نموده‌اند.

چند ساعت پس از پیامک وزارت اطلاعات و ستاد بحران کشور، پیامکی از کمیته‌ی امداد امام خمینی، با عنوان “یار گلستان باشیم” برای مشترکان تلفن همراه فرستاده شد. کمیته‌ی امداد از مردم تقاضا داشت که کمک‌های خود را به شماره حساب ویژه‌ی این کمیته واریز نمایند تا منازل سیل‌زدگان شمال کشور بازسازی گردد و برایشان لوازم خانگی بخرند. با چنین رویکردی، کمیته‌ی امداد نیز ضمن فرصت‌طلبی در این ماجرا پا پیش گذاشته است تا در سرکیسه کردن همیشگی مردم هرگز غافل باقی نماند.



با نگاهی به متن پیامک وزارت اطلاعات، خیلی زود در می‌یابیم که کارمندان وزارت اطلاعات در پیام خود آن قدر بی‌سلیقه‌گی به خرج داده‌اند که هنگام را “هنگامه” نوشته‌اند. بدون آنکه بفهمند هنگامه معنا و مفهومی سواى هنگام را در بر دارد. در عین حال نویسنده‌ی پیامک وزارت اطلاعات خواسته با عبارتی ادبی مفهوم پیامک خود را به مخاطب انتقال دهد. چنانکه بین این همه واژه و کلمه به سراغ ترکیب بدترکیب “خروش طبیعت” می‌رود. گویا به واژه‌ای بهتر از آن برای انتقال پیام خویش دست نیافته بود. شاید هم ضمن سهل‌انگاری خروش طبیعت را به جای خشم طبیعت نشانده است. حالا خوب است که خروش را “خورش” ننوشته‌اند.

اما از همه جالبتر آن است که اطلاعات‌چی‌های حکومت، مردم را در این پیامک هموطن خطاب می‌کنند. حتا برخلاف عرفی همیشگی اینجا یادشان رفته که بسم‌الله را بالای پیامشان بنویسند. در واقع واژه‌ی هموطن موقعی سر و کلاه در رسانه‌های دولتی پیدا می‌شود که کارگزاران حکومت حسابی “ریدمان” راه انداخته باشند. گویا فقط و فقط هموطن می‌تواند بر آسیب‌های پیش آمده فایق آید. همچنان که هنگام جنگ و ستیز با مخالفان داخلی و خارجی یا انتخابات‌های حکومتی بیش از هر وقتی واژه‌ی هموطن را به رسمیت می‌شناسند. آنوقت پخش سرودها و ترانه‌های حماسی نیز در رسانه‌های صوتی و تصویری حکومت رونق می‌گیرد. در همین راستا حتا گفتنی است که در این مواقع فیلم و تصویر خوانندگان سرودهای حماسی و میهنی نیز در سیمای جمهوری اسلامی وجاهت می‌یابد. ولی وقتی که از دام و خطر وار هیدند، هرچه ترانه‌ی وطنی و حماسی را به همراه خوانندگانش به دور می‌ریزند.

با این همه خوب بود که ستاد خبری وزارت اطلاعات الگوهای مهربانی خود را نیز به مخاطبانش معرفی می‌کرد. به طبع نهادی که مردم مدیران ارشد آن را با نام‌هایی از نوع ری‌شهری، دری نجف‌آبادی و پورمحمدی می‌شناسند، مهربانی نیز با هنجارهای نامردمی آنان تفسیر و تأویل می‌پذیرد. بدون تردید کشتار جمعی و بدون محاکمه، در قاموس همین نوع از مهربانی تأویل می‌پذیرد. حتا لازم نیست نشان و سنگ قبری از کشته‌شدگان باقی بگذارند. تازه می‌توانند اعضای سلاخی شده‌ی شکار خیابانی خود را در هر جای شهر که بخواهند به دور بریزند. همچنین جنازه‌ای را از زیر شکنجه به طناب دار بکشانند؛ با این توضیح که او دانسته و آگاهانه به خودکشی گردن نهاده است.

گفتنی است که مهربانی آن هم در فضای عید، موقعی در قاموس خودنوشته‌ی حکومت تأویل می‌پذیرد که هزاران نفر از کنشگران مدنی همچنان در مغاک‌های تاریک و غیر انسانی حکومت به سر می‌برند.

وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی اگر هم مفهوم هموطن را باور داشت، تأیید و امضای آنان را پای قانون اساسی خودنوشته‌ی حکومت لازم می‌دید. حتا برگزاری دادگاهی صالح و مردمی را برای متهمان سیاسی کشور واجب می‌شمرد. ولی هموطن وزارت اطلاعات، هموطنی موهوم و خیالی است که هرگز در سرزمین و جغرافیای ایران به سر نمی‌برد. برای صحت چنین ادعایی وزارت اطلاعات حکومت می‌تواند از عابران هر خیابانی که بخواهد ده نفر را برای نمونه‌ی آماری خود برگزیند تا دریابد که هیچ یک از این رهگذران به گذشته و عملکرد وزارت اطلاعات اعتمادی ندارند. بی‌اعتمادی و بی‌اعتنایی به وزارت اطلاعات را به حتم باید نتیجه‌ی طبیعی هنجارهای نامردمی آن به شمار آورد.

در ضمن ناگفته نماند که ستاد خبری وزارت اطلاعات، همان اداره‌ای است که شماره تلفن‌های آن را در بیلبوردهای تبلیغی تمامی خیابان‌ها و ادارات سطح شهر اطلاع‌رسانی کرده‌اند تا گروهی اطلاعات خود از مخالفان حکومت را به همین اداره بسپارند. مدیران ارشد وزارت اطلاعات ضمن وقاحتی کم‌نظیر مردم را فقط در کارکردی از خبرچین و جاسوس باور دارند و به طبع تنها کسانی به این خبرچینی و جاسوسی گردن می‌گذارند که از قبل به اجر و مزد خود از حکومت دست یافته‌اند.

دعوت مردم به مهربانی آن هم از سوی امنیتی‌های وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی، از آنجا ناشی می‌شود که آنان اینک بیش از هر زمانی از سرریز شدن مطالبات مردم واهمه دارند. چون مردم بی‌کفایتی مدیران حکومت را علت اصلی بروز چنین حوادثی از سیل می‌بینند. حوادثی که شروع آن از تخریب محیط زیست انسان‌ها آغاز می‌گردد تا آنجا که به مرگ بسیاری از مردم عادی بینجامد. بی‌دلیل نیست که رهبر حکومت آشکارا به عدم پذیرش تمامی پیمان‌های بین‌المللی به خصوص پیمان‌نامه‌ی پاریس اصرار می‌ورزد. با این همه هنگام بروز حوادثی از این نوع هرگز نشانی از همین رهبر به چشم نمی‌آید. مردم به درستی می‌گویند که او خود را وقف مشکلات لبنان، یمن، سوریه و عراق کرده است تا در آشفته‌بازار سیاسی منطقه بتواند چند صباحی دیگر نیز دوام بیاورد.

این فقط رهبر جمهوری اسلامی نیست که ضمن پرهیز از جوابگویی به مطالبات روشن و طبیعی مردم، به سوراخ امنیتی خود خزیده است بل که حسن روحانی نیز به همراه او حاضر نیست از مخفی‌گاه همیشگی خود سر برآورد و پاسخگوی مطالبات همگانی مردم باشد. گفتنی است که حسن روحانی همراه با آغاز نوروز و سال نو، پیامکی را برای مردم ارسال کرد که ضمن آن "نوروز علوی" را به همه تبریک می‌گفت. ابتکار کاربرد ترکیب بی‌قواری "نوروز علوی" را هم باید به پای حسن روحانی نوشت که نوشتن گذشته و تاریخی این‌گونه از نوروز، برایش آسان می‌نماید. با این همه او هم به همراه بسیاری از مدیران ارشد نظام، ضمن پرهیز از پاسخگویی در مورد آسیب‌های برآمده از سیل سراسری کشور در هزارتوی سوراخ‌های امنیتی حکومت قدم برمی‌دارد.

در ضمن صدا و سیما جمهوری اسلامی هم در شرایط بحران‌زای کنونی، حتا به ارسال پیام‌های هشدار دهنده‌ی نهادهای حکومتی رضایت نمی‌دهد. همچنین مدیران ارشد صدا و سیما ضمن همسویی با رهبر جمهوری اسلامی به نقش‌آفرینی مثبت در راه انعکاس خواست و اراده‌ی مردم گردن نمی‌گذارند. چنانکه برای پخش پیام‌های هشدار دهنده‌ی نهادهای امدادگر، مبالغی هنگفتی را انتظار دارند. چون با پیام‌هایی از این نوع، همانند پیام‌های بازرگانی و تبلیغی شرکت‌های تجاری برخورد می‌کنند. یادآور می‌شود که صدا و سیما هرچند بودجه‌ای دولتی در اختیار دارد، ولی خود را هرگز پاسخگوی همین دولت نمی‌بیند. حتا در مواقع بحران‌زا هم به خواست تبلیغی دولت روی خوش نشان نمی‌دهد. بدون شک مدیران صدا و سیما، حمایت رهبر را برای عملکرد ناصواب خود کافی می‌بینند تا بیش‌تر خواست و اراده‌ی نامردمی او را در خصوص پرهیز از انعکاس مطالبات همگانی مردم دنبال نمایند.

به نقل از سایت زمانه